گزارش

خریدی که رؤیای قهرمانی آرسنال را زنده کرد

توپچی‌ها جان گرفتند

طناز مقدم

میکل آرتتا بالاخره بعد از چند سال آزمون و خطا، همان مهره‌ای را به ترکیب آرسنال آورد که هواداران مدام فریادش می‌زدند؛ مهاجمی که بتواند سرنوشت بازی‌ها را در لحظه‌های حساس تغییر دهد. توپچی‌ها در پنجره نقل‌وانتقالات تابستانی بار دیگر سر و صدای زیادی به پا کردند اما ورود ویکتور یوکرس، تمام خریدهای دیگر را تحت شعاع قرار داد.

مهاجم سوئدی که در اسپورتینگ لیسبون به یک قاتل تمام‌عیار بدل شده بود، حالا با هیبتی بزرگ وارد ورزشگاه امارات شده است. آمار او در پرتغال حیرت‌انگیز است؛ نزدیک به یک گل در هر بازی و پاس‌های گلی که نشان می‌داد فقط یک فینشر بی‌روح نیست، بلکه برای هم‌تیمی‌ها هم فرصت‌سازی می‌کند. حالا در شمال لندن از او انتظار می‌رود همان کاری را انجام دهد که هالند برای سیتی انجام داد؛ حل بزرگ‌ترین معمای تاکتیکی تیم.

آرتتا در طول این تابستان حسابی دست به جیب شده و مهره‌های ارزشمند دیگری را هم به ترکیبش اضافه کرده؛ از مارتین زوبیمندی گرفته تا نورگارد و حتی کپا درون دروازه. با این خریدها، هزینه پنجره تابستانی توپچی‌ها از مرز ۲۱۰ میلیون پوند عبور کرده؛ سنگین‌ترین سرمایه‌گذاری دوران آرتتا. هدف واضح است: شکستن طلسم جام نگرفتن از سال ۲۰۲۰ و پایان دادن به ۳ فصل پیاپی نایب‌قهرمانی اما در دل این همه تغییر، چشم‌ها به یک نفر دوخته شده؛ یوکرس، مردی که باید تیزی گمشده خط حمله را به آرسنال برگرداند.

با این حال، شاید برخی بپرسند چرا تیمی که فصل قبل سومین خط حمله برتر لیگ بود باید چنین هزینه‌ای برای جذب مهاجم کند؟ جواب در افت نسبی فصل گذشته نهفته است؛ توپچی‌ها ۲۲ گل کمتر از فصل پیش‌تر به ثمر رساندند و همین کاهش راندمان باعث شد در کورس قهرمانی از لیورپول عقب بمانند. حتی در لیگ قهرمانان، مقابل پاری‌سن‌ژرمن با وجود سلطه بر بازی، از کمبود یک فینشر رنج بردند و حذف شدند.

از زمان جدایی اوبامیانگ، کسی نتوانست بار گلزنی تیم را یک‌تنه به دوش بکشد. گابریل ژسوس و کای هاورتز، هر ۲ توانایی بازی در چند پست را دارند اما مهاجم نوک تخصصی نیستند. بهترین گلزن فصل گذشته هاورتز بود که تنها ۹ بار در لیگ گل زد! همین اعداد به‌خوبی نشان می‌دهد چرا آرتتا برای جذب یک گلزن مادرزاد اصرار داشت.

یوکرس، برخلاف رقبای داخلی مثل ایساک، واتکینز یا حتی ششکو، یک خصوصیت برجسته دارد؛ او تشنه زدن ضربه نهایی است. در اسپورتینگ، ۳۹ گل زد؛ آماری که در ۱۰ لیگ معتبر اروپا بی‌رقیب بود. اگرچه ۱۲ گل از روی نقطه پنالتی بود اما ۲۷ گل غیرپنالتی او همچنان بیش از هر مهاجم دیگری در قاره سبز بود. این یعنی او فقط از شانس‌های ساده استفاده نکرد، بلکه با موقعیت‌سازی و تحرک دائم، تفاوت را ساخت.

مقایسه نرخ تبدیل شوت یوکرس با ستاره‌های لیگ برتر خیره‌کننده است؛ او ۲۷ درصد شوت‌هایش را به گل بدل کرد آماری بهتر از محمد صلاح، هالند و ایساک. اگرچه هنوز طعم رقابت در بالاترین سطح فوتبال انگلیس را نچشیده اما هواداران امیدوارند او همان روند پرتغال را ادامه دهد و آرسنال را به تیمی تبدیل کند که در هر بازی حتما گل می‌زند.

البته همیشه خطر مقایسه‌های اشتباه وجود دارد. داروین نونیز هم قبل از انتقال به لیورپول در پرتغال ستاره بود اما در انگلیس نتوانست همان کیفیت را نشان دهد. مهدی طارمی نیز ۲ بار در لیگ پرتغال آقای گل شد ولی در اینتر تنها ۳ گل زد؛ ۲ تا از روی نقطه پنالتی! اما یوکرس فقط یک گلزن ساده نیست؛ قد بلند (۱۸۸ سانتیمتر)، قدرت بدنی بالا، مهارت در دریبل و هوش تاکتیکی او باعث شده همزمان نقش مهاجم هدف و مهاجم متحرک را بازی کند.

داستان او هم پرفراز و نشیب بوده. در برایتون فرصت چندانی به دست نیاورد و در کاونتری هم فقط با تلاش و پشتکار خودش مسیر پیشرفت را ساخت. ۲ فصل در چمپیونشیپ درخشید و سپس در اسپورتینگ شکوفا شد. حالا نوبت بزرگ‌ترین چالش دوران حرفه‌ای‌اش است؛ باید ثابت کند گلزنی در لیگ برتر انگلیس برایش ناممکن نیست.

نکته مهم این است که یوکرس فقط برای خودش بازی نمی‌کند. در اسپورتینگ، تعداد پاس‌های کلیدی‌اش چشمگیر بود و بسیاری از گل‌های هم‌تیمی‌ها با حرکت او آغاز می‌شد. او نه‌تنها تمام‌کننده، بلکه آغازگر حملات هم بود. همین ویژگی است که آرتتا را وسوسه کرد با جذب وی، سیستم هجومی خود را بازطراحی کند.

هواداران توپچی حالا بعد از سال‌ها دوباره رویای یک فصل توام با قهرمانی را در سر می‌پرورانند. با این ترکیب تازه‌نفس، همه چیز آماده است تا شکاف با لیورپول و سیتی کم شود. اگر یوکرس بتواند نیمی از آمار پرتغال را هم تکرار کند، آرسنال در کورس قهرمانی جدی‌تر از همیشه خواهد بود.

حالا فقط زمان می‌تواند قضاوت کند؛ آیا این مهاجم تازه‌وارد همان پازل گمشده آرسنال است یا سرنوشتی شبیه مهاجمان ناکام دیگر خواهد داشت؟ توپچی‌ها قمار بزرگی کرده‌اند اما اگر نتیجه دهد، می‌تواند آغاز عصری تازه در امارات باشد؛ عصری که در آن دوباره شعار «ما توپچی‌ها، لندن را فتح می‌کنیم» طنین‌انداز خواهد شد.

فرم جدید ۴۸ تیمی جام جهانی، شانس تیم ملی فوتبال ایران را برای صعود بیشتر کرده است

بررسی رؤیای صعود

مهدی مرسلی

۴ ماه تا روزی که سرنوشت تیم‌های ملی حاضر در جام‌جهانی ۲۰۲۶ روشن می‌شود مانده و فضای فوتبال جهان پر از گمانه‌زنی‌های تازه است. این دوره از جام‌جهانی با فرمی کاملاً متفاوت برگزار خواهد شد؛ ۴۸ تیم، ۱۲ گروه و هر گروه ۴ تیم. تصمیمی که فیفا بعد از هیجانات روز پایانی جام‌جهانی قبل گرفت تا همچنان ساختار گروه‌های ۴ تیمی را حفظ کند و این بار، هیجان و پیچیدگی بیشتری به قرعه‌کشی بدهد.

این نخستین‌بار است که ۳ کشور میزبان، مسؤولیت برگزاری را با هم تقسیم کرده‌اند: آمریکا، کانادا و مکزیک. این امتیاز بزرگ باعث شده هر ۳ تیم بدون نگرانی در سید اول حضور داشته باشند. در کنار این سه، ۹ تیم برتر رنکینگ فیفا هم بلیت سید اول را گرفته‌اند. همین مساله فرصت رسیدن به سید یک را از دست تیم‌های بزرگی مثل ایتالیا، کرواسی، کلمبیا، اروگوئه و مراکش خارج کرده و حالا این کشورها مجبورند آماده باشند در همان گام اول، با یک غول بزرگ همگروه شوند.

■ **شانس طلایی ایران و رفقا**

اما گسترش ظرفیت سیدها و تقسیم ۴۸ تیم در ۴ گلدان ۱۲ تایی، اتفاق خوشایندی برای تیم‌هایی مثل ایران، ژاپن و کره‌جنوبی است. دیگر خبری از فشردگی شدید نیست و تیم‌های سطح متوسط آسیایی توانسته‌اند یک پله بالاتر بروند و جایگاه مطمئنی در گلدان دوم پیدا کنند.

برای ایران، این بهترین خبر ممکن است. سال‌ها حضور در گلدان سوم و چهارم باعث شده بود همیشه یک تیم بزرگ اروپایی و یک تیم خطرناک از آمریکای جنوبی یا آفریقا روبه‌رویش باشد اما این بار، موقعیت متفاوت است. بر اساس محاسبات فعلی، تیم ملی نه شانسی برای رفتن به سید اول دارد و نه ریسک سقوط به سید سوم. حضور در گلدان دوم تقریباً قطعی است؛ یعنی قرعه‌ای بهتر، همگروهی‌های کم‌خطرتر و البته مسیر ساده‌تر برای رسیدن به مرحله بعد.

با این حال، قوانین خاصی وجود دارد که همچنان می‌تواند کار ایران را سخت کند. هر گروه باید حداقل یک نماینده اروپایی داشته باشد و این یعنی ۵ تیم اروپایی سید دوم، ایران و بقیه آسیایی‌ها را در معرض روبه‌رو شدن با یک غول اروپایی از سید اول قرار می‌دهد.

■ **خطرات پنهان اروپا**

مساله اصلی این است که مرحله مقدماتی اروپا هنوز تمام نشده و صعود بعضی قدرت‌ها قطعی نیست. اگر تیمی مثل آلمان به پلی‌آف برود، ماجرا پیچیده می‌شود. چرا؟ چون طبق قوانین فیفا، هر تیمی که از پلی‌آف بیاید، به سید چهارم سقوط خواهد کرد و همین می‌تواند کابوس قرعه‌کشی را رقم بزند.

تصور کنید ایران در گروهی قرار بگیرد که آرژانتین از سید اول، ساحل عاج از سید سوم و آلمان از سید چهارم باشد؛ این دقیقاً همان چیزی است که به آن می‌گویند «گروه مرگ».

الان هلند و ایتالیا در موقعیت پلی‌آف هستند. هرچند لاله‌های نارنجی ۲ بازی کمتر دارند و می‌توانند عقب‌ماندگی‌شان نسبت به فنلاند را جبران کنند. ایتالیا هم هنوز فرصت گرفتن امتیاز از نروژ را دارد. اما اگر این ۲ غول در پلی‌آف گیر کنند و در صورت صعود به گلدان چهارم ملحق شوند، خطر بزرگی در کمین خواهد بود.

■ **بهترین رؤیای ممکن**

در سناریوی خوش‌بینانه، ایران می‌تواند شانس بیاورد و در گروهی کاملاً ایده‌آل بیفتد؛ مثلاً همگروهی با کانادا از سید اول، پاناما از سید سوم و تیم‌هایی مثل مجارستان، ولز یا آلبانی از سید چهارم. چنین قرعه‌ای، ساده‌ترین مسیر ممکن را جلوی پای تیم ملی می‌گذارد. حتی شاید صعود مستقیم به عنوان تیم دوم یا حتی صدرنشین هم دور از دسترس نباشد.

گسترش تعداد تیم‌ها باعث شده سطح رقابت کمی نرم‌تر شود. حالا دیگر تنها ۲ تیم از هر گروه صعود نمی‌کنند؛ بهترین تیم‌های سوم هم شانس صعود خواهند داشت. همین موضوع استرس را از دوش تیم‌های گلدان دوم کم کرده و امید به صعود را چند برابر افزایش داده است.

■ **کابوس غیرقابل‌پیش‌بینی**

اما روی دیگر سکه، گروه مرگ است. اگر بخت با ما یار نباشد، ممکن است یک سناریوی وحشتناک اتفاق بیفتد: آرژانتین از سید اول، ساحل عاج از سید سوم و ایتالیا یا آلمان از سید چهارم! چنین گروهی حتی رویای صعود به عنوان تیم سوم را هم به خطر می‌اندازد.

اینجاست که اهمیت نتایج مقدماتی اروپا مشخص می‌شود. تیم ملی باید دعا کند بزرگان اروپا بدون دردسر مستقیم صعود کنند و در سید چهارم جایی برای آنها باز نشود.

■ **نگاه به آینده**

هنوز ۳ فیفادی مانده و این یعنی هر نتیجه‌ای در این ۳ پنجره می‌تواند رنکینگ فیفا و جایگاه تیم‌ها را تغییر دهد. ایران اگر نتایج خوبی بگیرد، حتی می‌تواند فاصله‌اش با بالای جدول سید دوم را بیشتر و خیال خودش را راحت‌تر کند.

به هر حال، جام‌جهانی ۲۰۲۶ برای همه کشورها متفاوت است. با افزایش تعداد تیم‌ها، نقشه رقابت‌ها تغییر کرده و تیم‌های متوسط دنیا فرصت پیدا کرده‌اند یک پله بالاتر بیایند.

برای ایران هم این یک موهبت است؛ شاید در گذشته همیشه نگران قرعه‌های ترسناک بودیم اما این بار، بخت با ما یار است که از خطرات گلدان سوم و چهارم دور شده‌ایم.

■ **امید یا ترس؟**

وضعیت تیم ملی در یک جمله خلاصه می‌شود: نه در اوج هستیم و نه در پرتگاه. گلدان دوم همان منطقه امنی است که تیم ملی سال‌ها آرزویش را داشت.

در بهترین حالت، می‌توانیم با تیم‌هایی همگروه شویم که سطح‌شان نزدیک به ما است و صعود راحتی داشته باشیم. در بدترین حالت، گروه مرگ می‌تواند همه چیز را زیر و رو کند اما حتی آنجا هم فرصت سوم شدن و صعود از پلی‌آف وجود دارد.

جام جهانی ۲۰۲۶ یک تجربه تاریخی برای فوتبال ایران است؛ مسابقاتی با ساختار تازه، میزبان‌های متعدد و فرصت‌های جدید برای درخشش. حالا فقط باید امیدوار باشیم ستاره‌های بخت، ما را از دل گروه مرگ نجات بدهند و مسیری هموار پیش پای‌مان بگذارند.

انتخاب تازه ساپینتو برای جانشینی حسینی در استقلال

یک شیر از کامرون

علی دارابی‌منش

استقلال در روزهای پرالتهاب نقل‌وانتقالات، چشم به دروازه‌بان تازه‌ای دوخته؛ گزینه‌ای از سرزمین شیرهای رام‌نشدنی که می‌تواند گره کور خط آخر این تیم را باز کند. آبی‌ها در حالی به‌دنبال جذب یک گلر مطمئن هستند که تنها ۲ هفته به نبرد حساس سوپرجام با تراکتور زمان باقی مانده و هنوز تکلیف شماره یک اصلی تیم روشن نیست.

طی هفته‌های گذشته نام‌های زیادی در فهرست مدیران باشگاه دیده شد؛ از آدان اسپانیایی با سابقه حضور در رئال‌مادرید، تا ژائو ویرجینیای پرتغالی و یوری لودیگین روس اما هیچ‌کدام از این پرونده‌ها به سرانجام نرسید و هواداران همچنان در انتظار خبر قطعی ماندند. حالا اما یک نام غیرمنتظره و تازه‌وارد به لیست اضافه شده؛ فابریس اوندوا، سنگربان اهل کامرون که پیش‌تر جایگزین آندره اونانا در تیم ملی کشورش شده بود.

گلر ۲۹ ساله در کارنامه ملی خود ۵۳ بازی دارد و از معدود بازیکنانی است که جام ملت‌های آفریقا را با قهرمانی ترک کرده است. او سال ۲۰۱۷ نقش مهمی در رسیدن تیم ملی کامرون به سکوی قهرمانی داشت و در همان تورنمنت، ضربه پنالتی سادیو مانه را گرفت تا به قهرمانی شیرهای آفریقایی منجر شود.

مسیر فوتبالی فابریس اما از روزهای کودکی در اسپانیا آغاز شد. او در آکادمی بارسلونا پرورش یافت و مدتی در تیم دوم این باشگاه بزرگ اسپانیایی بازی کرد. هرچند فرصت رسیدن به ترکیب اصلی بارسا را نیافت اما تجربه حضور در فضای حرفه‌ای این باشگاه، سکوی پرتاب او به دیگر تیم‌ها شد. بعدها راهی تیم‌های پایه سویا و باشگاه خیمناستیک شد اما دوران درخشانش بیشتر در لیگ‌های بلژیک و لتونی رقم خورد.

اوندوا سال‌های اخیر را در تیم‌های اوستنده بلژیک، آئودا و آراف‌اس لتونی گذراند و در ۲ تیم اخیر توانست طعم قهرمانی در لیگ و جام حذفی لتونی را بچشد و دروازه‌بان اول تیمش در رقابت‌های اروپایی باشد. فصل گذشته او در ۸ دیدار لیگ اروپا مقابل تیم‌های سرشناسی چون آژاکس، گالاتاسرای، اندرلخت، دیناموکی‌یف و آینتراخت فرانکفورت به میدان رفت و تجربه‌ای گرانبها اندوخت.

نکته مهم ماجرا این است که طبق اطلاعات وب‌سایت ترانسفرمارکت، قرارداد این بازیکن با باشگاه آراف‌اس ۳ ماه پیش فسخ شده و او حالا بازیکن آزاد محسوب می‌شود؛ موضوعی که می‌تواند انتقالش به استقلال را تسهیل کند. در عین حال هنوز هیچ توافق رسمی‌ای میان طرفین اعلام نشده اما خبرهای رسیده از باشگاه نشان می‌دهد مذاکره با او در جریان است و حضورش در جمع آبی‌ها چندان دور از ذهن نیست.

این در حالی است که بسیاری از طرفداران استقلال تا چند روز قبل، آنتونیو آدان، گلر سابق اسپورتینگ لیسبون و رئال‌مادرید را جدی‌ترین گزینه باشگاه می‌دانستند اما با تغییر معادلات و پیچیده شدن پرونده او، نگاه‌ها به سمت اوندوا چرخیده است.

برای هواداران استقلال، جای خالی یک دروازه‌بان مطمئن در شرایط فعلی بیش از هر زمان دیگری محسوس است. تیمی که باید ۲۰ مرداد در جدال حیثیتی سوپرجام برابر تراکتور صف‌آرایی کند، هنوز نمی‌داند چه کسی پیراهن شماره یک را خواهد پوشید. ساپینتو می‌داند این پست می‌تواند سرنوشت فصل را تحت تأثیر قرار دهد، از همین رو مدیران باشگاه مأمور شده‌اند هرچه زودتر تکلیف گلر جدید را مشخص کنند.

فابریس اوندوا با تجربیات بین‌المللی، حضور در سطح اروپا و پیشینه قهرمانی در قاره سیاه، حالا یک شانس تازه برای آبی‌های پایتخت است. کسی که در مهم‌ترین تورنمنت‌های قاره آفریقا و اروپا حضور داشته و در حساس‌ترین لحظه‌ها، ناجی تیمش بوده است.

آیا دروازه‌بان کامرونی همان کسی است که استقلال به دنبالش است؟ یا باید همچنان منتظر نام‌های دیگر ماند؟ تنها چیزی که مشخص است این است که زمان برای آبی‌ها تنگ شده و انتخاب دروازه‌بان، مهم‌ترین مأموریت روزهای پایانی نقل‌وانتقالات است.

ملیجک موساد

یادداشت

ادامه از صفحه اول

... چرا که آنها این اقدام را هم موجب به عقب بردن ایران می‌دانند و هم تصور می‌کنند از بین رفتن زیرساخت‌ها و اخلال در خدمات‌رسانی دولت، منجر به ایجاد نارضایتی‌ها و در نتیجه افزایش ظرفیت اعتراضی و شورش می‌شود. بر اساس طراحی‌های رژیم صهیونیستی و آمریکا، ایجاد و تداوم این شرایط باعث بروز هرج و مرج در ایران می‌شود. رژیم صهیونیستی دقیقا به دنبال ایجاد چنین شرایطی در ایران است، چرا که تصور می‌کند با ایجاد هرج و مرج و تضعیف نظم حاکم بر ایران، زمینه برای تحرکات گسترده‌تر گروهک‌های تروریست و جداسازی بخش‌هایی از کشور، نظیر آنچه در سوریه رخ داد، فراهم می‌شود. با توجه به طراحی خطرناک رژیم صهیونیستی و آمریکا برای ایران، نقش رضا پهلوی در این نقشه‌ها کاملا مشخص است.

■ **آهن سرد می‌کوبند**

آنچه نوشته شد، پیش‌بینی‌ها درباره طراحی‌ها و نقشه‌های دشمن صهیونیست علیه ایران، بر اساس گزارش‌های مشهود و تحلیلی است. رژیم صهیونیستی معتقد است حمله نظامی به ایران محرک ایجاد آشوب، ناامنی و هرج و مرج در ایران است و آنها می‌توانند در سایه این هرج و مرج به اهداف خود علیه تهران برسند. به همین خاطر با ژست‌های سیاسی دنبال جلب توجه مردم ایران هستند. شورش پاییز ۱۴۰۱ اصلی‌ترین عامل ایجاد چنین تصوری در رژیم صهیونیستی شد و سحرگاه ۲۳ خرداد، با چنین تصوری به ایران حمله کرد. در همین راستا، هم بلافاصله پس از این حمله، هم در خلال جنگ و هم پس از آتش‌بس، نتانیاهو بارها تلاش کرد توجه افکار عمومی ایران را به این پروژه معطوف کند.

آنچه اتفاق افتاد اما برخلاف همه تصورات و پیش‌بینی‌های نتانیاهو و ترامپ بود. بیاییم واقع‌بین باشیم؛ اینکه تلقی شود نتانیاهو در این مرحله از جنگ، انتظار واکنشی از سوی مردم ایران نداشت، کاملا اشتباه و خلاف شواهد میدانی است. جنگ بالاترین سطح تنش میان ۲ طرف است و کاملا بدیهی است در صورت بروز هر نوع اعتراض و شورش داخلی علیه نظام، شرایط جنگ به سمت و سوی دیگری سوق می‌یافت. در واقع بروز اعتراضات یا شورش در ایران، یک فرصت بزرگ برای رژیم صهیونیستی پدید می‌آورد و جنگ مسیر دیگری را طی می‌کرد، بویژه اینکه در صورت وقوع این شرایط، قطعا رژیم صهیونیستی و آمریکا مطلقا تمایلی به آتش‌بس نداشتند. بنابراین کاملا پیداست مواضع نتانیاهو در خلال جنگ درباره مردم ایران، نهایت تلاش او برای بروز اعتراضات داخلی بود. واقعیت تردیدناپذیر این است که نتانیاهو در تحقق این هدف شکست خورد و از آن مهم‌تر، این است که این شکست، برخلاف برآوردهای موساد درباره واکنش مردم ایران به وقوع جنگ بود. بنابراین در تحلیل رفتار مردم ایران نسبت به جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، باید این واقعیت، یعنی شکست رژیم صهیونیستی در همراه‌سازی مردم ایران با خود را به عنوان زمینه ارزیابی‌ها حساب کرد. نتانیاهو نه تنها در این مرحله و در این موضوع شکست خورد، بلکه حالا با یک جامعه همبسته و متحد نیز روبه‌رو است و این کار را برای تحقق اهداف پروژه هرج و مرج و تجزیه ایران سخت‌تر می‌کند. همبستگی و انسجام عمومی مردم ایران در جنگ اخیر، یک نه بزرگ به پیشنهاد نتانیاهو و ترامپ بود. «وطن امروز» در شماره یکشنبه (دیروز) در یادداشتی با عنوان «ایرانیان تاریخ می‌خوانند» به تشریح دلایل همبستگی و اتحاد ملی در مقابل دشمن متجاوز صهیونیست، همچنین انسجام ملی برای دفاع از ایران و نظام اسلامی پرداخت. یکی از مهم‌ترین دلایل ایستادگی مردم در مقابل رژیم صهیونیستی و حمایت از نیروهای نظامی، مطالبه استقلال ملی است که دهه‌هاست یکی از مهم‌ترین مطالبات ملی ایرانیان است. از سوی دیگر، در سده اخیر هر بار یک قدرت خارجی اقدام به دخالت در امور ایران کرده، نتیجه‌ای جز ویرانی و خسارات و عقب‌ماندگی برای ایران نداشته است، لذا ایرانیان تجربه تلخی از دخالت خارجی در امور خود دارند. از همه مهم‌تر، ماهیت جنایتکار امثال نتانیاهو و ترامپ باعث شده مردم ایران پیشنهاد آنان را نوعی توهین به خود و باعث کسر شأن خود تلقی کنند. در کنار این موارد، اکثریت مردم ایران هوادار نظام حاکم یا مخالف تغییر نظام سیاسی هستند و از همه مهم‌تر مردم ایران با توجه به سوابق رژیم صهیونیستی، بخوبی پیش‌بینی کرده‌اند هدف دشمن صهیونیست، صرفا تغییر نظام سیاسی ایران نیست، بلکه هدف اصلی‌اش، طمع کردن به مرزهای جغرافیایی است. به هر حال رفتار مردم ایران در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، یک شوک بزرگ به موساد و نتانیاهو بود. برخلاف تصورات و برآوردهای آنان، مردم ایران همبسته و متحد و منسجم، از نیروهای مسلح خود حمایت کردند. با این حال اما نتانیاهو با حمله مستقیم به ایران، وارد یک قمار بزرگ شده است، لذا تمام تلاش خود را می‌کند تا شانس‌های خود ولو اندک را امتحان کند. نقشی که او برای رضا پهلوی تعیین کرده، از جمله همین شانس‌های اندک است. طفل صغیر پهلوی نیز از آنجا که بی‌مایه و سبک‌سر است، تنها به خاطر مشتی دلار، اینگونه مجسمه بارز بی‌رگی و وطن‌فروشی شده است.